

تقویم لکی و مقایسه آن با سایر تقویم‌های ایران باستان

امیدعلی نجف‌زاده قبادی*

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۲۰، تأیید: ۹۴/۰۷/۲۹)

چکیده

این مقاله با عنوان «تقویم لکی و مقایسه آن با سایر تقویم‌های ایران باستان» تنظیم شده است. روش تحقیقی در این مقاله روش تلفیقی (کتابخانه‌ای- میدانی) و به شیوه تحلیلی- توصیفی تنظیم شده است. مقسوم کردن زمان در طول دوران گذشته همواره بر اساس آیین‌ها و اعتقادات قومی رقم خورده است و گاه با توجه به موقعیت‌های جغرافیایی صورت گرفته، چنانکه در ممالک عربی به سبب یکنواختی تقریبی فصول، گاه‌شمار «مهی» را برگزیده‌اند و در سرزمین فارس، گاه‌شمار خورشیدی را تدوین کرده‌اند. ولی آنچه اهمیت دارد ماندگاری تقویمی است که مبتنی بر تکرار دقیق زمان در جایگاه اصلی فصل‌ها و ماه‌ها و روزهای خود باشد. بر این اساس با بررسی تقویم‌های مختلف رایج در ایران از آغاز تا کنون، تقویم «میترای» معقول‌تر از تقویم‌های دیگر است که وارث بلامنزاع آن تقویم لکی است.

واژه‌های کلیدی: گاه‌شمار، تقویم لکی، میترای، فرس، روزشمار.

مقدمه

گاه‌شماری ابزاری لازم برای امور روزمره و نگاه‌داشت حساب زمان و فصول سال و درج وقایع تاریخی بوده و هست. «گاه‌شماری عبارت است از دانش و فن تعیین و نگهداری حساب زمان و تاریخ رویدادها که از مهم‌ترین مظاهر فرهنگی انسان است» (اکرمی، ۱۳۸۰: ۵). با توجه به تعاریف متعدد از گاه‌شماری، می‌توان گفت: گاه‌شماری، دانش ثبت زمان رویدادها و حوادث با استفاده از علوم و ابزارهای لازم در طول زمان است. درباره پیشینه تحقیق حاضر گفتنی است که کتاب‌های نوشته شده در مورد قوم لک، اندک هستند؛ از جمله: «از هگمتانه تا شوش»، «بومیان دره مهرگان»، «دلفان در گذر تاریخ»، «هرسین در گذر تاریخ»، «فرهنگ لغت لکی»، «ادبیات عامه لکی»، «ضرب‌المثل‌های لکی»، «لغت‌نامه لکی»، «قواعد دستوری در گفتار مردمان لک»، «آواشناسی، دستور و واژگان لکی» و مقالات دکتر قلی‌پور و دیگران، که البته به گاه‌شماری و تقویم نپرداخته‌اند. بنابراین تحقیق حاضر، تحقیقی در زمینه گاه‌شماری لکی است که با توجه به قدمت، دقت و ظرافت‌های موجود در گاه‌شمار لکی، برای پژوهش انتخاب شده است.

مفاهیم زمان، گاه‌شماری

بدون شک زمانی می‌توان مفاهیم روزشماری و گاه‌شماری را تعریف کرد و شرح داد که تعریفی از زمان داشته باشیم. فیزیکدانان زمان را کمیتی نامتناهی می‌دانند که از آغاز و انجامش بی‌خبرند. بدین معنی که زمان به خودی خود قابل درک نیست و بدون سنجش نمی‌توان به وجودش پی‌برد. لذا برای تشخیص ترتیب رویدادها و فواصل‌شان از همدیگر، باید مبدایی اختیار شود تا با دانستن وضع رویدادها نسبت به مبدأ، فاصله زمانی آنها را از یکدیگر به دست آوریم و برای انتخاب این مبدأ و ثبت رویدادها و حوادث، اندک اندک علم گاه‌شماری مرسوم و متداول گردید.

* پژوهشگر مطالعات فرهنگی

گاه‌شماری بر دو قسم است:

۱. نجومی، که در آن رویدادهای نجومی اهمیت ویژه‌ای دارند. اگرچه قواعد عددی خاصی هم در آن ابداع شده باشد.
 ۲. حسابی، که قواعد عددی قراردادی اهمیت ویژه‌ای دارند، هر چند از رویدادهای نجومی تأثیر پذیرفته باشند.
- معمولاً در گاه‌شماری‌ها یکی از جنبه‌های حسابی یا نجومی، دیگری را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. اما در گاه‌شماری لکی که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد این دو متوازن هستند. «گاه‌شماری، چه بر پایه محاسبات نجومی باشد و چه بر پایه محاسبات عددی قراردادی، به تدوین یک دفتر یا تنظیم یک جدول، با هر حجم، منجر می‌شود که در آن گذشت زمان به صورت تعیین روز و ماه و سال جلوه‌گر می‌شود. این دفتر یا جدول، گاهنامه یا تقویم است» (اکرمی، ۱۳۸۰: ۸).
- از مطالعات تاریخی به این نکته می‌رسیم که ایرانیان باستان دارای علم گاه‌شماری و تقویم (روزشمار) بوده‌اند. «نیایش‌های آیین میتراپی (مهرپرستی)، نقوش صور فلکی روی ظروف سفالین کشف شده در نقاط مختلف ایران مربوط به پنج تا شش هزار سال پیش^۱، اجرای آیین‌های دینی زرتشت، آیین زروانی، رصدخانه نیمروز در زابل سیستان، جشن سده مربوط به زمان هوشنگ، جشن نوروز منسوب به زمان جمشید، جشن مهرگان منسوب به زمان فریدون، تقویم خورشیدی فرسی کهن ایرانی و یک سری مدارک و شواهد دیگر همه نشانه آگاهی ایرانیان باستان از دانش نجوم و گاه‌شماری است» (نجاری قزآنی، ۱۳۹۱: ۱۸).
- گاه‌شماری ایرانی علی‌رغم عدم تکرار مبدا تاریخی تقویم هجری قمری در یک روز مشخص از زمان، همواره در یک زمان معین تکراری آغاز می‌شود. زیرا «فارسیان چنین گمان می‌کردند که مبدا سال‌های ایشان از آغاز آفرینش نخستین انسان است و آن روز هرگز در ماه فروردین بوده که آفتاب در نقطه اعتدال ربیعی و در میان آسمان بوده است» (بیرونی، آثارالباقیه، ۱۳۷۷: ۷۸).
- با توجه به اینکه مردمان لک‌زبان در منطقه غرب ایران ساکن هستند و «نخستین بار مهرپرستی در غرب ایران رواج یافته است» (رستم‌پور، ۱۳۸۱: ۲۶)، با توجه به مراسم دینی ویژه‌ای که در آیین مهری وجود داشته، همان زمان گاه‌شماری مهری (میتراپی) را ابداع نمودند و آغاز سال را نیز یکم ماه نوروز لکی برابر یکم دی در نظر گرفتند که تولد میترا یا مهر است و نیز با توجه به باورهای دینشان که اعتقاد داشتند حاکمیت دنیا در اوایل به دست اهریمن است و تاریکی بر نور چیره می‌شود. (آموزگار، ۱۳۷۴: ۱۵).
- چنانچه در فصل پاییز روز به روز تاریکی بر روشنایی پیروز می‌شود، این چیرگی ظلمت تا شب یلدا ادامه می‌یابد و پس از آن لحظه لحظه بر حکمرانی نور افزوده می‌شود. یعنی پیروزی نور بر تاریکی که مصادف با تولد مهر است و بر این اساس آن را جشن می‌گرفتند و آغاز سال نام می‌نهادند، به امید آنکه حق بر باطل پیروز گردد و این آرمان مردمی آزاده بود که خوشبختی و مدنیت را برای همه مردم جهان آرزو می‌کردند.

از زمان‌های قدیم تا حال حاضر «ده‌ها نوع تقویم پدید آمده که برخی رایج و برخی منسوخ شده‌اند. «کهن‌ترین آنها فرس قدیم ایران است که سابقه هفت هزار ساله دارد» (نجاری قزآنی، ۱۳۹۱: ۷۸). بنابراین گاه‌شماری از دیرباز تا کنون جزئی از فرهنگ ملت‌های متمدن بوده است. با توجه به اینکه ایران یکی از کهن‌ترین تمدن‌هاست و خاصه اینکه از لحاظ علمی و فرهنگی جزو کشورهای متمدن آن دوران بوده، انواع زیادی از گاه‌شماری‌های رسمی و محلی در آن معمول بوده است. با آنکه بسیاری از گاه‌شماری‌های ایرانی تا حدودی از گاه‌شماری بابلی الهام گرفته بودند ولی مهم‌ترین گاه‌شماری‌های ایرانی، گاه‌شماری میتراپی، فرس باستان (گاه‌شمار هخامنشی)، تقویم مزدیسنی و... بوده است، اگرچه از دوران اسلام به بعد گاه‌شماری‌های قمری (مهی)، مغولی،

خراجی و... نیز در آن رایج شد. از آنجا که تقویم هجری قمری به سبب نابسامانی‌هایی که در امور مملکتی ایران ایجاد کرده بود، به دستور جلال‌الدین ملک‌شاه و توسط خیام نیشابوری، تقویم کهن ایرانی اصلاح و احیا شد؛ به شکلی که دقیق‌ترین تقویم شناخته شده است. هرچند آنچه‌آنچه باید در آن دوران رسمیت نیافت و تا قبل از دوران کنونی، هنوز بسیاری از مردم نحوه محاسبات کبیسه آن را درک نکرده بودند.

کبیسه‌گری در تقویم ایرانی

«دایره‌البروج عبارت است از مسیر حرکت ظاهری دورانی سالانه خورشید به دور زمین، از نظر ناظر زمینی. این دایره در واقع عبارت است از تصویر مدار زمین بر کره‌ی آسمانی، یا مدار زمین به دور خورشید، از نظر ناظری که بیرون از منظومه شمسی ایستاده است» (اکرمی، ۱۳۸۰: ۱۹). دایره‌البروج، استوای آسمانی را در دو نقطه قطع می‌کند که به آنها اعتدالین می‌گوییم و در آنها طول روز و شب با هم برابر است.

«منطقه‌البروج یا برجگاه عبارت است از منطقه‌ای از آسمان که به صورت نواری با پهنای حدود ۱۶ درجه از زمین دایره‌البروج را در خود گرفته و دوازده صورت فلکی مشهور، به فاصله تقریبی ۳۰ درجه از یکدیگر، بر آن جای دارند» (همان: ۲۱). بدین‌سان دایره‌البروج، یعنی مسیر حرکت ظاهری سالانه خورشید، در میان این نوار قرار گرفته و این نوار از دایره‌البروج در دو طرف به اندازه حدود ۸ درجه امتداد دارد. از نظر ناظر زمینی این منطقه ۳۶۰ درجه‌ای به دوازده بخش تقریباً ۳۰ درجه‌ای تقسیم شده و هر بخش را یک صورت فلکی از ۸۸ صورت فلکی شناخته شده در آسمان اشغال کرده است. به مدت زمانی که زمین در گردش خود به دور خورشید هر کدام از این مناطق را طی می‌کند یک برج (ماه) می‌گویند که اسامی این برج‌ها و مدت زمان آنها به قرار زیر است:

۱. حَمَل (بره): ۳۰ روز و ۱۵ ساعت
۲. ثور (گاو): ۳۱ روز و ۲/۵ ساعت
۳. جوزا (دوپیکر): ۳۱ روز و ۹ ساعت
۴. سرطان (خرچنگ): ۳۱ روز و ۱۰ ساعت
۵. اسد (شیر): ۳۱ روز و ۵ ساعت
۶. سنبله (خوشه): ۳۰ روز و ۱۹ ساعت
۷. میزان (ترازو): ۳۰ روز و ۶ ساعت
۸. عقرب (کژدم): ۲۹ روز و ۱۹ ساعت
۹. قوس (تیرانداز): ۲۹ روز و ۱۲ ساعت
۱۰. جدی (بز): ۲۹ روز و ۱۰ ساعت
۱۱. دَلُو (ریزنده آب): ۲۹ روز و ۱۶ ساعت
۱۲. حوت (ماهی): ۳۰ روز و ۲ ساعت.

اگر ساعات ۱۲ و بیشتر از آن را یک شبانه‌روز در نظر بگیریم و ساعات کمتر از ۱۲ را به حساب نیاوریم، هریک از ماه‌های خورشیدی اخترشناسی دوازده‌گانه از اول تا آخر سال خورشیدی به ترتیب: ۳۱، ۳۱، ۳۱، ۳۱، ۳۱، ۳۰، ۳۰، ۳۰، ۳۰، ۲۹، ۳۰، ۳۰، روز دارند. در تقویم جلالی (خورشیدی)، مطابقت ماه‌ها با برج‌های نجومی از ویژگی‌های برجسته آن است. تنها مزیت تقویم

جلالی نسبت به دیگر گاه‌شماری‌ها که شمارش تعداد روزها در آن در شش ماه اول ۳۱ روز و پنج ماه بعدی ۳۰ روز و ماه آخر ۲۹ یا ۳۰ روز است تا حدودی نزدیک‌تر به گردش‌های نجومی و اخترشناسی است اما اگر بخواهیم دقت را بیشتر کنیم و روز و ساعات را دقیقاً بر گردش‌های نجومی تنظیم کنیم، تقویم جلالی نیز آن‌چنان‌که باید دقیق نیست، زیرا در بعضی برج‌ها حدود ۱۰ ساعت نادیده گرفته یا به آن اضافه شده است و این کار مبنای دقیقی برای شمارش روزهای یک ماه نیست. در روزشمار لکی، ماه خورشیدی حسابی را مبنا قرار داده‌اند که طول همه ماه‌ها ۳۰ روز است و ۵ روز باقیمانده را پنجه می‌نامند. از آنجایی که سال لکی و جلالی همان سال اعتدالی است که فاصله زمانی میان دو عبور متوالی خورشید از نقطه اعتدال بهاری متوسط است، بدین ترتیب از لحاظ طول سال هیچ تفاوتی بین سال در روز شمار لکی و جلالی وجود ندارد.

سال خورشیدی (اعتدالی): مدتی که زمین یک دور کامل به دور خورشید می‌گردد را یک سال اعتدالی می‌گویند. «طول سال اعتدالی به دلایل مختلف یکسان نیست. چون طول متوسط آن در سال ۱۹۰۰ میلادی ۳۶۵/۲۴۲۱۹۸۷۹ شبانه‌روز تعیین شده است و این

| این | طول | متوسط |
|--|-----|-------|
| سده‌های مختلف فرق دارد. در قدیم بیشتر بوده و در آینده کمتر می‌شود. در حال حاضر به طور متوسط سالانه ۰/۰۰۵۳ ثانیه از طول متوسط سال اعتدالی کاسته می‌شود» (نجاری قزآنی، ۱۳۹۱: ۳۷). آقای احمد بیرشک سال خورشیدی یا اعتدالی را اینطور تعریف می‌کند: «فاصله زمانی دو گذر پیاپی مرکز خورشید بر نقطه اعتدال بهاری» (۱۳۸۰: ۱۴) که میانگین آن ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵/۹۷ ثانیه یا ۳۶۵/۲۴۲۱۹۸۷۹ شبانه‌روز است. | | |

سال نجومی: «عبارتست از فاصله زمانی میان دو بار متوالی قرار گرفتن خورشید در برابر یک ستاره‌ی ثابت. مدت آن ۳۶۵/۲۵۶۳۶ روز و ۶ ساعت و ۹ دقیقه و ۹ ثانیه) است. سال تقویمی یا گاه‌شماری عبارتست از طول سال پذیرفته شده در یک گاه‌شماری که تعداد روزهای آن یک عدد کامل یا یک عدد صحیح است» (اکرمی، ۱۳۸۰: ۳۱).

از آنجایی که طول سال اعم از مهی (هجری قمری) و خورشیدی متغیر است و از سوی دیگر طول متوسط هم عددی صحیح نیست و بخش اعشاری آن به گونه‌ای است که به آسانی نمی‌توان از جمع کردن آن طی چند سال به عدد صحیح (چند روز کامل) دست یافت و از طرفی تعداد روزهای تقویمی یا عرفی یک عدد صحیح است. پس لازم است هرچند سال یک‌بار، یک یا چند روز متفاوت با سال‌های دیگر باشد تا بخش اعشاری طول سال‌ها جبران شود. این کار، مبنای کیسه‌گری است که عدم توافق بر سر طول سال و پیشنهاد شیوه‌های گوناگون کیسه‌گری باعث پیدایش انواع گاه‌شماری در ملت‌های مختلف شده است.

نگاهی گذرا به گاه‌شماری‌های مهم ایران

الف) گاه‌شماری میتراپی

گاه‌شماری میتراپی در ادوار هخامنشی و اشکانی به کار رفته است. گاه‌شمار اوستایی نو و میلادی هم تحت تاثیر آن قرار گرفته‌اند و گاه‌شمار یولیبانی کاملاً بر اساس آن محاسبه و تدوین شده است. این گاه‌شماری ۳۶۰ روزه و ۱۲ ماهه، هرروز دارای اسمی بوده است. مهرآیینان ۵ روز اضافی را جزو سال محاسبه نمی‌کردند و مراسم و جشن‌های ویژه‌ای در این ۵ روز برگزار می‌کردند. هر ۴ سال مراسم ۶ روزه برگزار می‌شد و به این ترتیب تقویم را کیبسه‌گری می‌کرده‌اند.

معیار شروع سال روز پس از شب یلدا یعنی یکم دی است. اسم دقیق ماه‌ها وجود ندارد و گاه‌نگاران اسم ماه‌های معادل خورشیدی آن‌ها را نوشته‌اند و سال شامل دو فصل است: است:

۱- فصل زمستان (زینَه *zayana*) شامل ماه‌های آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند است. ۲- فصل تابستان (همَه *hama*)، از روز نوروز آغاز می‌شود و شامل ماه‌های فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور و مهر است. روزهای اضافی سال را پیش یا پس از نوروز یا در فاصله بین جشن مهرگان و شروع زمستان در سالنامه می‌گنجانده‌اند. این گاه‌شماری ۳۶۰ روزه و ۱۲ ماهه، هر روز دارای اسمی بوده است. مهرآیینان ۵ روز اضافی را جزو سال محاسبه نمی‌کردند و مراسم و جشن‌های ویژه‌ای در این ۵ روز برگزار می‌شده است. هر ۴ سال مراسم ۶ روزه برگزار می‌شده و به این ترتیب تقویم را کیبسه‌گری می‌کرده‌اند (رضی، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

ب) گاه‌شمار هخامنشی (فرس قدیم)

تقویم رایج در اوایل حکومت هخامنشیان «فرس قدیم» بوده است. متن کتیبه‌های داریوش در بیستون و محتوای فرمان‌ها بیانگر این حقیقت هستند که ایرانیان قدیم سال را به ۱۲ ماه تقسیم می‌کردند و فصول را می‌شناختند. «بررسی رصدخانه خورشیدی نقش رستم این نظریه قدیمی را که آغاز سال هخامنشی روز اول مهرماه بوده است را تایید می‌کند. سال هخامنشی، سال خورشیدی حقیقی و از اعتدال پاییزی تا اعتدال پاییزی بعدی بوده است» (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۷۸: ۲۸). همچنین آفتاب‌سنج‌های این رصدخانه این واقعیت مهم را نشان می‌دهد که برخلاف عقیده رایج، ایرانیان باستان از واحد هفته استفاده می‌کرده‌اند (همان: ۲۸). در این تقویم آغاز سال با آغاز پاییز مقارن و اولین ماه سال «باکیادیس» با برگزاری جشن «باگایادی» توأم بود. درخصوص اینکه سرآغاز تقویم فرس از چه زمانی و متکی بر چه واقعه‌ای بوده اطلاع دقیقی در دست نیست. اما در قدیم چنانچه معمول بود سلطنت پادشاهی، مبدأ تاریخی محسوب می‌شد و در دولت بابل نیز چنین می‌کردند. پس مادها و پارس‌ها که چیزهای زیادی را از بابل و آشور اقتباس کرده بودند به احتمال زیاد این امر نیز از آنان گرفته شده است.

در فرس قدیم سال به چهار فصل سه ماهه تقسیم می‌شد و هر ماه دارای ۳۰ روز بوده است و ۵ روز اضافه را کیبسه‌گری می‌کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت شاکله اصلی و تقسیم‌بندی سال برگرفته از تقویم میتراپی است. اما تعداد فصول از دو به چهار افزایش یافته است. همچنین قرار گرفتن آغاز سال و قرار گرفتن ۵ روز اضافی سال نسبت به میتراپی تغییر کرده است.

ج) گاه‌شماری یزدگردی قدیم (الهی) و یزدگردی جدید (زرتشتی)

گاه‌شماری‌های یزدگردی قدیم و جدید را تقویم اوستایی می‌خوانند که در آن‌ها سال به ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ روز اضافی تقسیم می‌شود. در یزدگردی قدیم ۵ روز در آخر آبان قرار می‌گرفته اما در یزدگردی جدید ۵ روز را به آخر سال یعنی بعد از اسفند و قبل از عید قرار می‌دهند.

لازم به ذکر است که: «تقویم یا تاریخ اوستایی که هنوز هم اساس تقویم ایرانی بر آن استوار است، تقویمی است که ظاهراً در همان روزگار که تقویم کهن آریایی در بعضی نقاط ایران معمول بوده در قسمت‌هایی که تحت نفوذ آیین زرتشتی بوده رواج یافت. این تقویم با وضع گاه‌شماری قدیم ایرانی تفاوتی نداشت، جز آنکه سال و ماه و ایام را در آن اسامی تازه‌ای بود» (صفا، ۱۳۸۹: ۱۷).

د) گاه‌شماری لکی (لکستان)

درباره قدمت گاه‌شماری، علم نجوم و اخترشناسی در لکستان همین بس که «نخستین رصد شناخته شده در جهان توسط فریدن - بنیانگذار حکومت کاسی‌ها در ایران زمین - انجام گرفت، آن‌گونه رصدی که زمانی سرآغاز تاریخ شناخته شده جهان محسوب می‌شد. پیداست که تاریخ رصد، سرآغاز تاریخ مدون نیایشگران مهر بوده است» (کاوه، ۱۳۷۰: ۴۲). در تاریخ ده هزار ساله ایران آمده است که: «فریدون نخستین پادشاهی بود که به علم نجوم پی برد. وی هم‌چنین از دانش پزشکی آگاهی داشت و تریاک را به دست آورد. اولین کسی بود که بر پیل نشست و اصطربلاب از اکتشافات اوست» (رضایی، ۱۳۸۱: ۳۹). شواهد تاریخی مبین آن هستند که کاسی‌ها در غرب ایران و مناطق لکنشین سکونت داشته‌اند و چنانچه می‌دانیم «نخستین بار مهرپرستی در غرب ایران رواج یافته است» (رستم پور، ۱۳۸۱: ۲۶). «آیین میتراپیسم در ایران تا زمان ظهور «زرتشت» و دین زرتشتی، آیین همگانی بود و بعد از اینکه این آیین در غرب ایران رواج یافت و اروپاییان که در این ناحیه با ایران تماس داشتند، با این آیین آشنا شدند و از طریق سربازان و مردم این نواحی، آیین میتراپیسم به شرق اروپا راه یافت و تا زمان ظهور مسیحیت دین غالب اروپاییان بود. اما پس از گسترش مسیحیت در اروپا، میتراپیسم از اروپا رخت بریست، اما برخلاف ایران، میتراپیسم تأثیر به‌سزایی در دین مسیح و رسوم آن از خود به جای گذاشت تا جایی که بسیاری از مراسم مسیحیان ریشه در آیین میراپیسم داشته و باقی‌مانده آن است» (برقبنانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶). به عقیده دکتر مهری باقری «رواج مهرپرستی به عنوان دین ویژه در غرب بوده است» (۱۳۷۶: ۱۵۲). از جزییات تاریخی و نجومی پیش از فریدون اطلاع و اسناد موثقی در دست نیست «ولی تا این حد روشن است که در آن ادوار، روزشماری ایرانیان بر پایه ماه‌های ۳۰ روزی تنظیم شده بودند (کاوه، ۱۳۷۰: ۱۴) و مردم برای تعیین زمان مراسم دینی ویژه‌ای که در آیین مهری داشتند، گاه‌شماری را ابداع نموده‌اند.

از آنجا که همه پدیده‌ها در طول زمان روند تکاملی در پیش می‌گیرند تبدیل شدن سال میتراپی به دو فصل آن هم با توجه به تنوع آب و هوا در غرب ایران، مناسب نبود. در همان زمان مردم لکستان اصلاحاتی مناسب در تقویم میتراپی انجام دادند و تعداد فصل از دو (زمستان و تابستان) به چهار (زمستان، بهار، تابستان و پاییز) افزایش یافت. شروع سال همان یکم دی‌ماه (یکم نوروز *nörüz*) است. سال به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم شده و ۵ روز باقیمانده (پنج شوئه پنجه=هدیه مهر) دقیقاً بعد از عید باستان اضافه می‌شود. هم‌چنین هر چهارسال یک روز که به دوره پنج روزه اضافه می‌شد و در آن سال دوره شش‌روزه را جشن می‌گرفتند. امروزه یک روز کیسه به آخر اسفند (موگ عید) اضافه می‌شود تا لحظه تحویل سال همزمان با گاه‌شماری رسمی (جلالی) انجام شود. در این روزشمار یکم پنجه برابر یکم فروردین است و پس از پایان این ۵ روز، یکم ماه پنجه شروع می‌شود. بنابراین در شمارش روزها بین روزشمار لکی و رسمی (خورشیدی) اختلاف به وجود می‌آید، اما در پایان سال هر دو با هم برابر می‌شوند.

مبداگاه شمار لکی

از آنجایی که روزشمار لکی شکل ارتقایافته‌ی روزشمار میتراپی است، پس برای یافتن مبدا روزشمار لکی باید مبدا میتراپی را به دست بیاوریم. خاصه اینکه تاریخ اصلاح و ارتقای میتراپی به لکی برای ما وجود ندارد.

«به نوشته دکتر ملک‌پور و دیگران نام تقویم یزدگری قدیم، تقویم فرس قدیم بوده و کیسه روی آن اعمال می‌شده، هم‌چنین در برخی از مقالات چنین تقویمی با نام میتراپی یاد شده است. مبدا تاریخ یزدگردی باستانی ۶۱۰۳ سال خورشیدی پیش از تاریخ ملکی و ۵۰۲۵ سال قبل از میلاد و ۳۳۰۰ سال قبل از تاریخ وهیژکی یا بهیژکی بوده است» (نجاری قزآنی، ۱۳۹۱: ۹۰).

با توجه به فرمول فوق برای سال خورشیدی ۱۳۹۴ سال لکی برابر است با:

$$۷۰۴۰ = ۲۰۱۵ + ۵۰۲۵ \text{ ق.م.}$$

اما با محاسبه سال نسبت به روز ژولیان سال لکی ۱۳۹۴ برابر است با:

$$۷۰۳۶ = ۳۰۸ \text{ (اختلاف مبدا لکی و میتراپی با روز ژولیان) } + ۲۰۱۵ + ۴۷۱۳ \text{ سال ق.م.}$$

حال اگر فرس باستان را همان لکی و میتراپی در نظر بگیریم و مبدا را با استفاده از اختلاف روز ژولیان به دست آوریم، خواهیم داشت:

$$۷۰۳۸ = ۳۱۰ \text{ (اختلاف روز ژولیان با فرس باستان) } + ۲۰۱۵ \text{ م } + ۴۷۱۳ \text{ (سال یولیانی ق.م.)}$$

از مشاهده محاسبات بالا نتیجه می‌شود در محاسبه سال مبدا لکی از یک تا سه سال اختلاف به دست می‌آید، چون مبدأ، یک نقطه ثابت فرض نمی‌شود و این، باعث اختلاف در نتیجه محاسبه می‌شود. اما در سال ۱۹۷۸ میلادی برابر ۱۳۵۷ هجری خورشیدی، یک کاسه ایرانی با نشانه گردونه مهر، که عده‌ای باستان‌شناس قدمت آن را مربوط به ۷۰۰۰ سال پیش می‌دانستند (تارنمای <http://arq.ir/104/>)، مبدا آغاز تحول نجوم در ایران باستان نامیده شد. این مبدأ را برای روزشمار لکی و میتراپی در نظر گرفته‌ایم، چرا که لکستان و غرب ایران‌زمین خواست‌گاه آیین مهری بوده است، هرچند ممکن است صدها سال قبل از آن نیز روزشماری و علم نجوم در این منطقه موجود بوده باشد. بنابراین برای سال ۱۳۹۴ هجری خورشیدی که تفاضل آن با سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی ۳۷ سال است، سال لکی و میتراپی برابر ۷۰۳۷ است.

متأسفانه ما مدارک و اسنادی در دست نداریم، یا شاید اسنادی موجود باشد اما ما بی‌خبر از آن‌ها هستیم و یا امکان دسترسی به آن‌ها را نداریم. با این وجود امیدواریم آیندگان با دقت و تامل و مطالعه بیشتر به آن دسترسی پیدا کرده و چهره از واقعیت‌ها باز نمایند و تاریخ گاه‌شماری لکی را به طور دقیق‌تر مشخص کنند.

ماه‌ها و فصول لکی و معادل خورشیدی آنها

جدول شماره ۱: ماه‌ها و فصول لکی و معادل خورشیدی آنها

| اسم ماه به فارسی | فصل | اسم ماه به زبان لکی | اگ—و:م |
|------------------|---------|--------------------------|--------|
| فروردین | بهار | <i>xāka řæ</i> خاکه لینه | وهار |
| اردیبهشت | | <i>š'ed</i> عیید | |
| خرداد | | پنج شوته پنجه (هدیه مهر) | |
| | | <i>panj šöwa panja</i> | |
| | | <i>panja</i> پنجه | |
| تیر | تابستان | <i>mōryon</i> مورِیون | تاوسون |
| مرداد | | <i>gākwer</i> گاکور | |
| شهریور | | <i>āgerānē</i> آگرانسی | |

| | | | | |
|-------|--------|------------------|------------|--------|
| مهر | پاییز | <i>merdāl</i> | مردال | پایز |
| آبان | | <i>xērāt</i> | خیرات | |
| آذر | | <i>mālazēr</i> | ماله ژیر | |
| دی | زمستان | <i>tiiltaken</i> | تولُ تَکن | زمسوهن |
| بهمن | | <i>moj sē</i> | مو؛ گ؛ سی؛ | |
| اسفند | | <i>nōrtūz</i> | نوروز | |

تطبیق تقویم لکی با تقویم‌های ایرانی

وجه مشترک همه گاه‌شماری‌های ایرانی، تقسیم سال به دوازده ماه سی روزه و پنج روز اضافه است که نشان‌دهنده دقت بالای آن‌هاست. «اگر بخواهیم گاه‌شماری خورشیدی را با گاه‌شماری گرگوری (گاه‌شماری میلادی رایج در جهان) بسنجیم، علاوه بر آنکه کیسه‌های گاه‌شماری گرگوری قراردادی هستند و با واقعیت طبیعی نجومی منطبق نیستند، دقت‌شان نیز در برابر گاه‌شماری ایرانی مبتنی بر دوره ۲۸۲۰ سال، حدود ۱/۱۴۰۰ است. یعنی درحالی‌که گاه‌شماری گرگوری باید تقریباً در هر ۳۳۲۰ سال به اندازه یک روز تصحیح شود، تصحیح گاه‌شماری ایرانی، اگر نیاز به تصحیح داشته باشد، به اندازه یک روز در بیش از چهار میلیون سال خواهد بود» (اکرمی، ۱۳۸۰: ۱۰۲). در گاه‌شمار میتراپی و لکی آغاز سال همان اول دی‌ماه است، اما تفاوت‌شان این است که در گاه‌شمار لکی تعداد فصول از دو به چهار افزایش یافته است. با توجه به این که در تمام تقویم‌های خورشیدی هر چهار سال، و به تعداد کمتر هر پنج سال یک بار کیسه است، یعنی اسفند ۲۹ روزه برابر ۳۰ روز حساب می‌شود، در گاه‌شمار لکی در همین سال ماه عید ۳۰ روزه برابر ۳۱ روز حساب می‌شود. این امر استثناست و چندسال یک بار در روزشمار لکی پیش می‌آید که یک ماه ۳۱ روزه داشته باشد. اما مهرآیینان یک روز کیسه به پنج روز هدیه مهر اضافه می‌کردند و آن سال شش روز جشن می‌گرفتند تا تمام ماه‌ها سی روزه شوند. فرق گاه‌شمار لکی با فرس باستان در آغاز سال و جایگاه پنج روز اضافه است. در فرس باستان آغاز سال اول مهرماه است اما در لکی اول دی‌ماه است و جایگاه پنج روز اضافه هم متفاوت است. فرق روزشمار لکی با تقویم‌های یزدگردی این است که در لکی دوره ۵ روزه در آغاز سال (دقیقاً بعد از تحویل سال) و عید نوروز قرار می‌گیرد، اما در یزدگردی قدیم پنج روز در آخر آبان و در یزدگردی جدید پنج روز به آخر سال اضافه می‌شود.

مزایای روزشمار لکی نسبت به دیگر روزشماری‌ها

- ۱- ثابت بودن مناسبت‌ها و رویدادها در روزهای مشخص سال
- ۲- تقسیم‌بندی سال به ۱۲ ماه ۳۰ روزه مساوی بسیار مناسب‌تر از تقسیم‌بندی دیگر روزشماری‌های رایج در دنیاست. حتی از روزشمار رسمی خورشیدی که سال به ماه‌های ۳۱ و ۳۰ و ۲۹ روز تقسیم شده، نیز مناسب‌تر است و تنظیم و طراحی ساعت‌های روز شمار و دیگر دستگاه‌های روزنگار به مراتب آسان‌تر خواهد بود.
- ۳- در روزشمار لکی شبانه‌روز دقیقاً بر اساس باورهای کهن ایرانی شروع می‌شود، یعنی یک شبانه‌روز از یک شب کامل و روز کامل پشت سر آن تشکیل می‌شود، و بر این اساس غروب روز دوشنبه را جزو سه‌شنبه به حساب می‌آورند اما در روزشمار فارسی (رسمی)، تا نیمه شب جزو دوشنبه است - شبانه روز از نیمه شب شروع و تا نیمه شب بعدی ادامه پیدا می‌کند - با توجه به اعتقاد ژروانی که ژروان آرزو داشت اولین بچه‌اش را حاکم بلامنازع هستی کند و چون یک لحظه در تحقق آرزویش تردید می‌کند، در همان لحظه نطفه اهریمن بسته

می‌شود و چون او ابتدا به دنیا می‌آید. لذا او حاکم هستی می‌شود و ظلمت و جهالت را با خود به همراه می‌آورد و پس از آنکه اورمزد - نماد پاکی و عدالت - به دنیا می‌آید نبردی همیشگی بین آن‌ها پدید می‌آید چون زروان می‌دانست که پیروزی نهایی با اورمزد است. این شد که ابتدا اهریمن بر دنیا حاکم می‌شود و پس از وی اورمزد به پیروزی و حاکمیت مطلق می‌رسد (آموزگار، ۱۳۷۴: ۱۷-۱۵). به همین منوال در شبانه‌روز لکستان ابتدا دوره سیاهی (شب) و سپس دوره روشنایی (روز) ظاهر می‌شود، اما در روزشمار خورشیدی (رسمی) ابتدا دوره سیاهی، سپس دوره روشنایی و در آخر هم دوره سیاهی غالب می‌شود و این، با باورها و اعتقادات ایرانی مطابقت ندارد.

۴- از آنجایی که گاه‌شماری لکی یکی از کهن‌ترین روزشماری و گاه‌شماری‌های تاریخ ایران زمین است، در بین سایر گاه‌شماری‌های شناخته شده از لحاظ دقت همچون گاه‌شماری خورشیدی (رسمی ایران) دقیق‌ترین گاه‌شماری است. با توجه به قدمت گاه‌شماری لکستان و شباهت‌های فراوان آن با گاه‌شماری خورشیدی بی‌گمان می‌توان ادعا کرد گاه‌شماری خورشیدی برگرفته از گاه‌شماری لکستان است، چرا که مبنای سال هر دو گاه‌شماری، گردش واقعی زمین به دور خورشید است.

۵- با توجه به این که موسسه ژئوفیزیک و دیگر مجامع علمی و رصدخانه‌ها لحظات تحویل سال را رصد می‌کنند و قوانین محاسبه کیسه‌گری پیشنهادی توسط آقایان احمد بیرشک و بهروز ذبیح که سالهای کیسه خورشیدی را محاسبه می‌کنند، برای گاه‌شماری لکی که مبنای آن نیز همان گردش زمین به دور خورشید است، همزمان با کیسه‌های خورشیدی کیسه‌های لکی اجرا می‌گردد و مو؛ گ؛ عید (اسفند) به جای ۳۰ روز ۳۱ روز خواهد شد و این تنها ماه ۳۱ روزه لکی است که استثنا و خارج از قانون ۳۰ روزه است، بنابراین مشکل کیسه‌گری برای گاه‌شماری لکی وجود ندارد.

۶- هم‌خوانی شروع سال با اعتقادات و باورهای ایرانی: چنانچه قبلاً گفته شد آرزوی ایرانیان پیروزی حق بر باطل یعنی نور بر ظلمت بوده است و روز اول دی‌ماه (اول ماه نوروز در تقویم لکی) که طول روز و روشنایی اندکی از روز قبلی بیشتر شده و طول سیاهی کمتر می‌شود. یعنی اولین پیروزی نور بر ظلمت را که همزمان با تولد خدای مهر بوده است آغاز سال لکی (میتربی) محسوب کرده‌اند.

۷- از نکات برجسته گاه‌شماری لکی، آشنایی مردم لکستان قدیم با دانش نجوم و ریاضیات است که در حسا و شله (پیشگویی‌هایی مبتنی بر اعداد ابجدی و روزهای ماه از تقویم لکی) است به پیش‌بینی اتفاقات آینده و یا بیان رخدادهای گذشته می‌پردازد. روزشمار مورد استفاده برای این علم، همان روزشمار لکی است و چنانچه از روزشمار خورشیدی، قمری، زرتشتی، میلادی و ... استفاده کنند، نتیجه حساب‌کشی درست در نمی‌آید. این نکته از امتیازات روزشمار لکی بر سایر روزشمارهاست. به احتمال، روزشمار مورد استفاده مرتاضان هندی نیز شبیه همین روزشمار لکی باشد.

۸- پیشنهاد برای نامزد شدن گاه‌شماری لکی جهت گاه‌شماری بین‌المللی: گاه‌شماری و ثبت رویدادها برای همه ملت‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای است و جامعه جهانی سعی در تدوین یک روزشمار بین‌المللی به منظور هدفمند کردن برنامه کاری اداره‌ها، کارخانه‌های صنعتی و تولیدی، روزهای کاری کارگران و تعطیلات مشترک همه ملل دارد. با توجه به مزایای گاه‌شماری لکی، سابقه کهن، دقت بی‌نظیر و ساده بودن تقسیمات آن، و اینکه هرگز برای تبدیل دیگر گاه‌شماری‌ها به لکی، با اعداد منفی برخورد نمی‌کنیم و اینکه وقایع قدیمی مثل قبل از میلاد و قبل از هجرت و ... را هم پوشش می‌دهد، لذا شایستگی لازم برای معرفی آن به عنوان گاه‌شماری بین‌المللی را دارد تا ملل مختلف از یک گاه‌شماری واحد برخوردار شوند.

- اکرمی، موسی (۱۳۸۰). گاه‌شماری ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴). تاریخ اساطیری ایران. تهران: انتشارات سمت.
- باقری، مه‌ری (۱۳۷۶). دین‌های ایرانی پیش از اسلام. تبریز: دانشگاه تبریز.
- برقبانی، زهرا (۱۳۸۳). بررسی ادیان ایران باستان؛ با تاکید ویژه بر آیین میتراییسم. تاریخ پژوهی، سال ششم، شماره ۱۸، بیرشک، احمد (۱۳۸۰). گاه‌شماری ایرانی (ادامه گاه‌شماری سه هزارساله). تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷). آثارالباقیه، ترجمه: اکبر داناسرشت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ذکایی، فرزاد (۱۳۸۴). معنای روزها و ماه‌های سال، تهران: انتشارات رخ مهتاب.
- رستم‌پور، سالمه (۱۳۸۱). مهرپرستی در ایران، هند و روم. تهران: انتشارات خورشید آفرین.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۱). تاریخ ده هزار ساله ایران. تهران: انتشارات اقبال.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱). آیین مهر. تهران: انتشارات بهجت
- شاهنامه فردوسی
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر ایران. تهران: نشر نی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۰). گاه‌شماری و جشن‌های ملی ایرانیان. تهران: انتشارات اوستا فراهانی.
- صفی‌زاده، صدیق (۱۳۵۵). همانندی واژه‌های فارسی و کردی (لری- لکی). تهران: انتشارات تهران.
- قاسملو، فرید (۱۳۸۹). تقویم و تقویم‌نگاری. تهران: نشر کتاب مرجع.
- کاوه، علی محمد (۱۳۷۰). گاه‌شماری و تاریخ‌گذاری از سرآغاز تا سرانجام. تهران: بردار
- لغت‌نامه دهخدا
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۷۸). رصدخانه خورشیدی نقش رستم. تهران: انتشارات پژوهنده.
- مردوخ کردستانی، آیت‌الله محمد (۱۳۵۵). تاریخ مردوخ. تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ملک‌پور، ایرج (۱۳۸۳). تقویم هجری قمری. تهران: انتشارات حقوقدان/ دانش نگار.
- نجاری قزآئی، یوسف (۱۳۹۱). گاه‌شماری‌های جهان. تهران: موسسه انتشارات کتاب نشر.
- Acker, A. (1978). *Initiation a Iastronomie*. Masson Paris, P:32.
- Long, K.R. (1992). *Astrophysical Data: Planets and Stars Springer – Verlag New York: Inc.* P:55.
- <http://arq.ir/104>